پیشگفتار

مدارک موجود در رابطه با ایران باستان هیچ‌گونه شواهدی در برندارند که روشن سازد در آن زمان، موسیقی در جامعه چه نقشی داشته است. هم‌چنین آگاهی مستندی در دست نیست که نشان دهد چه نوع موسیقی در دربار پادشاهان طی هزار سالی که دودمان‌های مادها، پارس‌ها، سلوکی‌ها و اشکانیان در سرزمین ایران حکومت کردند، به‌کار می‌رفته است. از دوران ساسانیان (۲۲۶-۶۵۱ میلادی) شواهدی از انواع سازها در کتیبه‌های سنگی تاق بستان موجود است و نویسندگان نیز پس از ظهور اسلام در ایران پیرامون کاربرد موسیقی در دربار پادشاهان ساسانی مطالبی نوشته‌اند، به‌ویژه وصف موسیقی و موسیقی‌دانان در دوران دو تن از مهم‌ترین پادشاهان ساسانی: خسرو اول (معروف به انوشیروان) (۵۳۱-۵۷۹ میلادی) و خسرو دوم (معروف به پرویز) (۵۹۰-۶۲۸ میلادی) زیاد آمده است. توصیف موسیقی‌دانان و نوازندگان برجسته، مانند باربد و نکیسا و رامتین، به‌ویژه در آثار شاعر بزرگ قرن ششم و هفتم قمری (۱۲ میلادی) نظامی گنجوی آمده است اما هیچ‌گونه موسیقی مکتوب به جای نمانده و آگاهی درستی از موسیقی آن زمان نداریم.

پس از تسلط اسلام بر ایران، به‌ویژه بین قرون سوم تا نهم قمری (۱۰ تا ۱۵ میلادی)، کتاب‌ها و رساله‌های زیادی پیرامون علم موسیقی، از جمله تئوری اصوات، فواصل و مقام‌های مختلف نوشته شد. بسیاری از این نوشته‌ها باقی مانده و موجودند. علمای بزرگی مانند ابونصر فارابی (قرن ۳ و ۴ قمری یا ۱۰ میلادی)، ابن سینا (قرن ۴ و ۵ قمری یا ۱۱ میلادی)، قطب‌الدین محمود شیرازی و صفی‌الدین ارموی (قرن ۷ و ۸ قمری یا ۱۳ میلادی)، عبدالقادر مراغی (قرن ۸ و ۹ قمری یا ۱۵ میلادی) و دیگران آثار مهمی به جای گذارده‌اند که همه مربوط به تئوری موسیقی با دید علمی‌اند.

متأسفانه با نبودن موسیقی مکتوب نمی‌توان از چگونگی رابطه‌ی این نوشته‌های نظری و فرضیه‌ای با واقعیت اجرایی موسیقیِ آن دوره آگاهی درستی یافت. تنها از عبدالقادر مراغی چند قطعه آهنگ که می‌پنداریم ساخته‌ی خودش بوده و با خطی خودآفریده (با به‌کارگیری حروف ابجد) نوشته شده، موجود است. ولی این چند قطعه از یک موسیقی‌دان نمی‌تواند موجودیت یک روش موسیقی‌نگاری را که کاربرد عمومی داشته، توضیح دهد. تنها نتیجه‌گیریِ واقع‌بینانه این است که موسیقی پیوسته یک هنر اجرایی بوده و هرگونه آفرینشی در موسیقی در عمل واقعیت می‌یافته، شفاهاً از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شده و هیچ‌گونه روش نوشتاری برای ثبت موسیقی مرسوم نبوده است.

همین واقعیت تا دوران معاصر در مورد آنچه موسیقی سنتی نامیده می‌شود ادامه داشته و دارد. فرهنگ موسیقی ملی به طور شفاهی آموخته می‌شود، شفاهی اجرا می‌شود و درست هم همین است. این روش در موسیقی‌های محلی (فولکلور) در تمامی فرهنگ‌های جهان مرسوم است. در مواردی، به‌ویژه در کشورهای غربی، آهنگ‌های محلی توسط موسیقی‌شناسان و پژوهشگران برای بررسی و مطالعه، به خط موسیقی نوشته شده و مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است. اما در محیط اجرایی و توسط مجریان اصلی، فراگیری و اجرای این‌گونه موسیقی‌ها متکی بر خط موسیقی نیست. موجودیت و بقای آهنگ‌های محلی کلاً بر اساس روش شفاهی است و آهنگ‌ها دارای یک فرم تثبیت‌شده و یکدست نیستند. موسیقی سنتی ایرانی نیز همین‌طور بوده و در واقع نوعی موسیقی فولکلور شهری است.

آن‌طور که موسیقی سنتی در دوران معاصر شناخته شده و اجرا می‌شود، بدون تردید، ریشه‌های کهن دارد.

Shiraz-Beethoven.ir

بسیار منطقی است که این موسیقی را نوعی تحول‌یافته از آنچه قرن‌ها پیش مرسوم بوده و اجرا می‌شده بشناسیم. باید پذیرفت که شیوه‌ی زیست و روش‌های مرسوم در جوامع شرقی طی قرون متمادی دگرگونی زیادی نداشته است. دنیای اسلام نه رنسانس[1] داشته، نه بیداری اومانیسم[2]، نه عصر روشنگری[3] و نه انقلاب‌های صنعتی، علمی و تکنولوژیکی، مگر در دوران مدرن (۱۵۰ سال اخیر) و آن‌هم به خاطر نفوذ فرهنگ‌های غربی.

در موسیقی سنتی آنچه امروز به نام ردیف می‌شناسیم، که اساس این موسیقی است، مربوط است به قرون گذشته. ولی تشکل آن به صورت دوازده مجموعه از مقام‌های مختلف در قالب هفت دستگاه و پنج آواز میراث قرن دوازده و سیزده قمری (نوزدهم میلادی) و دوران قاجار است. این یک موسیقی تک‌صدایی (مونوفونیک[4]) است و از طریق بداهه‌نوازی بر مبنای مقام‌های گوناگون اجرا می‌شود. مقام، بر خلاف باور مرسوم، مبنای گامی[5] ندارد و آنچه مقام را مشخص می‌سازد یک روال ملودی‌سازی است که آن را مایه‌ی مقام می‌گویند و بداهه‌نوازی بر اساس آن مایه صورت می‌گیرد. در بداهه‌نوازی آزادی زیادی وجود دارد و در نتیجه دو اجرا از یک مقام هرگز یک‌جور نیست حتا توسط یک مجری.

در ایران آهنگسازی به صورت یک آفرینش مشخص و ثابت، فارغ از بداهه‌نوازی، که به خط موسیقی نوشته شود و برای دیگران شناخت قطعی داشته باشد پدیده‌ای است که با نفوذ موسیقی غربی و به تقلید از روش غربی به وجود آمده و از دهه‌ی ۱۲۸۷ قمری (۱۸۷۰ میلادی) آغاز شده است. ناصرالدین شاه که چهل و نه سال (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳ قمری یا ۱۸۴۸ - ۱۸۹۶ میلادی) سلطنت کرد سه‌بار به اروپا سفر نمود. در این سفرها، از جمله ملاحظاتی که او را تحت تأثیر قرار داد پیشوازهای رسمی سران کشورهای اروپایی از او بود و رژه‌ی سربازان همراه با نوازندگی ارکسترهای نظامی. جلال و ابهت این مراسم توجه او را جلب کرد و در بازگشت دستور داد یک دسته موزیک نظامی روی مدل غربی ایجاد شود. یک مدرسه‌ی موسیقی، وابسته به دارالفنون، تأسیس گردید. معلمان فرانسوی استخدام شدند و سازهای غربیِ دسته‌ی موزیک نظامی که کلاً سازهای بادی و کوبه‌ای هستند به ایران وارد و آموزش آنها متداول شد. این اولین برخورد ایرانیان با آهنگ‌های غربی (البته آهنگ‌های موسیقی نظامی، مانند مارش) و سازهای غربی بود. اگرچه این آغازی بس محدود و ناچیز بود ولی به‌تدریج حاصلی عمیق به بار آورد که مهم‌ترین آن آشنایی با خط موسیقی بود. موسیقی‌دانان ایرانی متوجه شدند که اصوات موسیقی را می‌توان نوشت و به طور ثابت و یکسان اجرا نمود.

با گذشت زمان سازهای غربیِ دیگر که در ارکستر نظامی کاربرد ندارند، مانند ویلن و پیانو به ایران راه یافتند. ویلن به‌ویژه توجه موسیقی‌دانان ایرانی را جلب کرد، چون بدون پرده‌بندی است و می‌تواند تمامی فواصل خاص موسیقی ملی را اجرا کند. نخستین قطعاتِ ساخته‌شده و با نت غربی ثبت‌شده در اوایل قرن بیستم به وجود آمدند، از جمله چند قطعه از غلامرضا مین‌باشیان که قدری آموزش موسیقی در روسیه داشت، و تصنیف‌هایی از دو شاعر و تصنیف‌ساز: علی‌اکبر شیدا و ابوالقاسم عارف قزوینی و نیز چند آهنگ (بدون آواز) (رنگ و پیش‌درآمد) ساخته‌ی تارنواز مشهور غلامحسین درویش. این قطعات تک‌صدایی و کاملاً متعهد به روال ملودی‌سازی در مقام‌های شناخته‌شده‌ی موسیقی سنتی بودند.

در دهه‌ی ۱۹۲۰ میلادی موسیقی ضبط‌شده روی صفحه به ایران وارد شد. تعدادی از مجریان موسیقی سنتی را نیز کمپانی‌های صفحه‌پُرکنی به اروپا بردند تا از اجرای آنها صفحه پُر کنند و به ایران صادر نمایند (در ایران آن

---

۱. Renaissance

۲. Humanism

۳. Enlightenment

۴. Monophonic

۵. واژه‌ی گام (gamme) از فرانسه گرفته شده و در فارسی معادلی برای آن وجود ندارد.

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست قطعات

1. Az Kafam Rahâ ..... ۲۲ ..... ۱. از کفم رها
2. Afrâcheshme ..... ۲۷ ..... ۲. افراچشمه
3. Afsâne Kamtar ..... ۳۲ ..... ۳. افسانه کمتر
4. Bolbol-e Shuride ..... ۳۸ ..... ۴. بلبل شوریده
5. Bandbâz ..... ۴۵ ..... ۵. بندباز
6. Be Yâd-e Shirâz ..... ۵۰ ..... ۶. به‌یاد شیراز
7. Pishdarâmad-e Bayât-e Tork & Valse ..... ۵۴ ..... ۷. پیش‌درآمد بیات ترک و والس
8. Pishdarâmad-e Mâhur ..... ۵۷ ..... ۸. پیش‌درآمد ماهور
9. Tasnif-e Afshâri ..... ۶۵ ..... ۹. تصنیف افشاری
10. Tasnif-e Bayât-e Tork ..... ۷۴ ..... ۱۰. تصنیف بیات ترک
11. Tasnif-e Shushtari ..... ۸۰ ..... ۱۱. تصنیف شوشتری
12. Jor-e Falak ..... ۸۴ ..... ۱۲. جور فلک
13. Dashti ..... ۹۱ ..... ۱۳. دشتی
14. Del-e Zâr ..... ۹۴ ..... ۱۴. دل زار
15. Do Naghme-ye Bakhtiyâri ..... ۱۰۲ ..... ۱۵. دو نغمه‌ی بختیاری
16. Do Tarâne-ye Bakhtiyâri ..... ۱۰۷ ..... ۱۶. دو ترانه‌ی بختیاری
17. Râmiâni ..... ۱۱۲ ..... ۱۷. رامیانی
18. Raqs-e Chupi (Kordi) ..... ۱۱۷ ..... ۱۸. رقص چوپی (کُردی)
19. Raqs-e Sharqi ..... ۱۲۱ ..... ۱۹. رقص شرقی
20. Raqs-e Lezgi ..... ۱۳۲ ..... ۲۰. رقص لزگی
21. Ruzegâr-e Man ..... ۱۴۰ ..... ۲۱. روزگار من
22. Reng-e Esfahân ..... ۱۴۵ ..... ۲۲. رنگ اصفهان
23. Reng-e Châhârgâh ..... ۱۵۱ ..... ۲۳. رنگ چهارگاه
24. Selsele-ye Mu-ye Dust ..... ۱۵۴ ..... ۲۴. سلسله‌ی موی دوست
25. Suz-e Hejrân ..... ۱۵۹ ..... ۲۵. سوز هجران
26. Sho'le & Parvâne ..... ۱۶۳ ..... ۲۶. شعله و پروانه
27. Arus-e Gol ..... ۱۶۷ ..... ۲۷. عروس گل
28. Gham-e Eshq ..... ۱۷۱ ..... ۲۸. غم عشق
29. Farvardin ..... ۱۷۴ ..... ۲۹. فروردین
30. Quchâni ..... ۱۷۹ ..... ۳۰. قوچانی
31. Kenâr-e Golzâr ..... ۱۸۲ ..... ۳۱. کنار گلزار
32. Kord-e Bayât ..... ۱۹۸ ..... ۳۲. کرد بیات
33. Gerye Kon ..... ۲۱۰ ..... ۳۳. گریه کن
34. Morgh-e Sahar ..... ۲۱۸ ..... ۳۴. مرغ سحر
35. Na Qodrat ..... ۲۲۸ ..... ۳۵. نه قدرت
36. Nakonam agar Châre ..... ۲۳۶ ..... ۳۶. نکنم اگر چاره
37. Navâ-ye Arusi ..... ۲۴۴ ..... ۳۷. نوای عروسی

Shiraz-Beethoven.ir

38. Navâ-ye Santur ..... ۲۴۶ ..... ۳۸. نوای سنتور
39. Navâ-ye Ney ..... ۲۵۴ ..... ۳۹. نوای نی
40. Navâ-hâ-ye Sâz ..... ۲۶۰ ..... ۴۰. نواهای ساز
41. Nemidânam Che dar Peymâne Kardi ..... ۲۶۵ ..... ۴۱. نمی‌دانم چه در پیمانه کردی
42. Vây-e Mo ..... ۲۷۳ ..... ۴۲. وای مو
43. Var Sâqi ..... ۲۷۶ ..... ۴۳. ور ساقی
44. Va'de Kardi ..... ۲۷۹ ..... ۴۴. وعده کردی
45. Hengâm-e Mey ..... ۲۸۶ ..... ۴۵. هنگام می
46. Yâr-e Ghamkhâr ..... ۲۹۶ ..... ۴۶. یار غمخوار

Shiraz-Beethoven.ir

از کلهم رها

ازکلهم رها شد قراردل — نیست دست من اختیاردل

بسکه هرکجارفت وبرنگشت — دیده شد سفید زانتظاردل

ای نگارم بودآشفته کارم — ببین برحال زارم

پریشان کن زسحلت روزگارم — که ازدردوغصت پروا ندارم

ازیکه میروی

ایکه میروی ازکنارمن — غافلی تواز حال زارمن

میبری زدل یادگارمن — تاسیه کنی روزگارمن

گل عذارم کمرفتی ازکنارم — توشی باغ وبهارم

بگزار محبت گرچه خارم — بهاری جانفزا درسینه دارم

عارف اینقدر

عارف اینقدر لاف تاکی — شیر عاجزاست ازشکاردل

خون دل بریخت ازدوچشمن — خوشدلم ازاین انتحاردل

من بریشم بلای جان خویشم — بود عشق توکیشم

بجان بازی چوازپروانه پیشم — بده درد وبلا زاندازه بیشم

Shiraz-Beethoven.ir

Shiraz-Beethoven.ir

از کفم رها شد قرار دل

Allegra
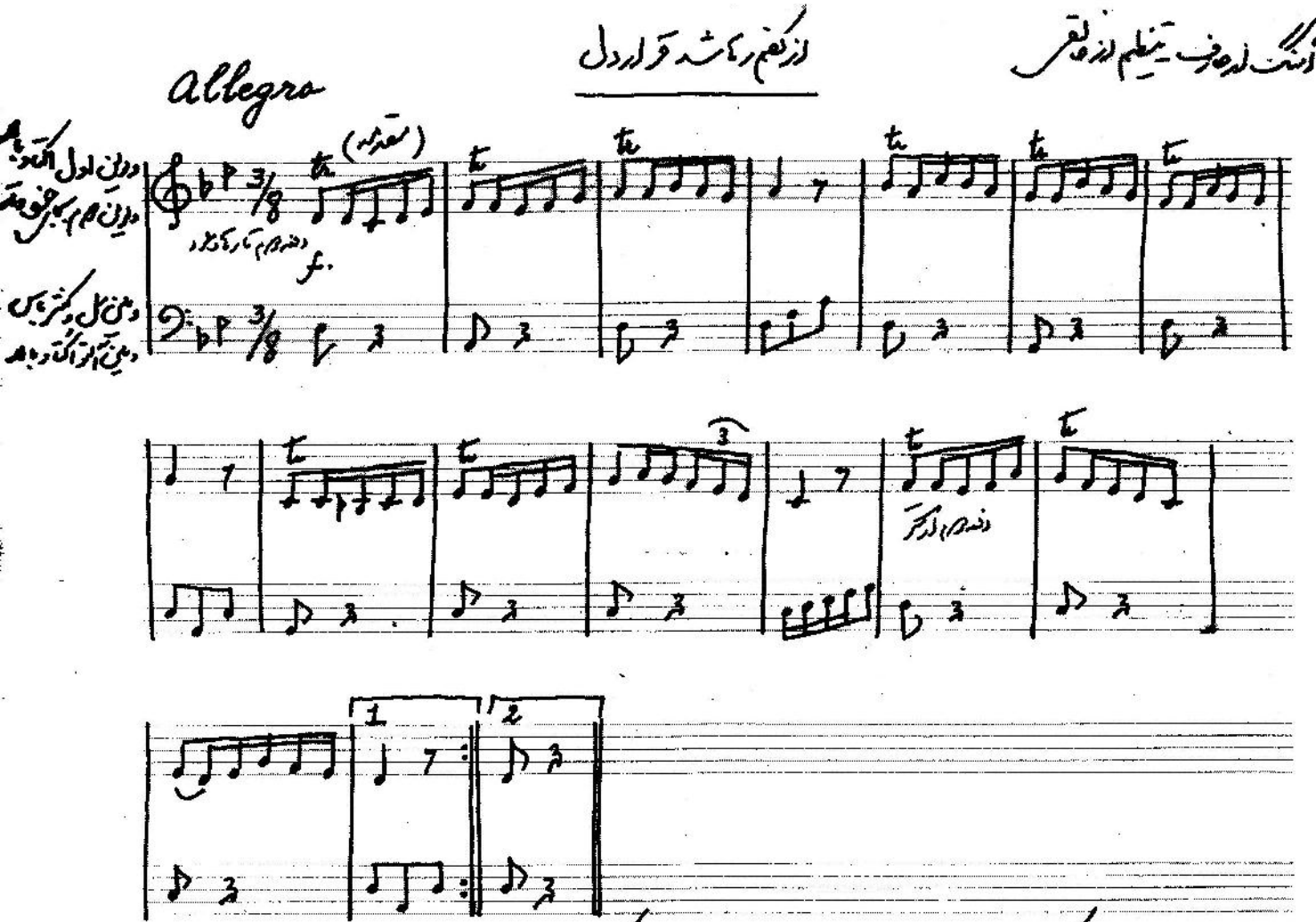
allegra
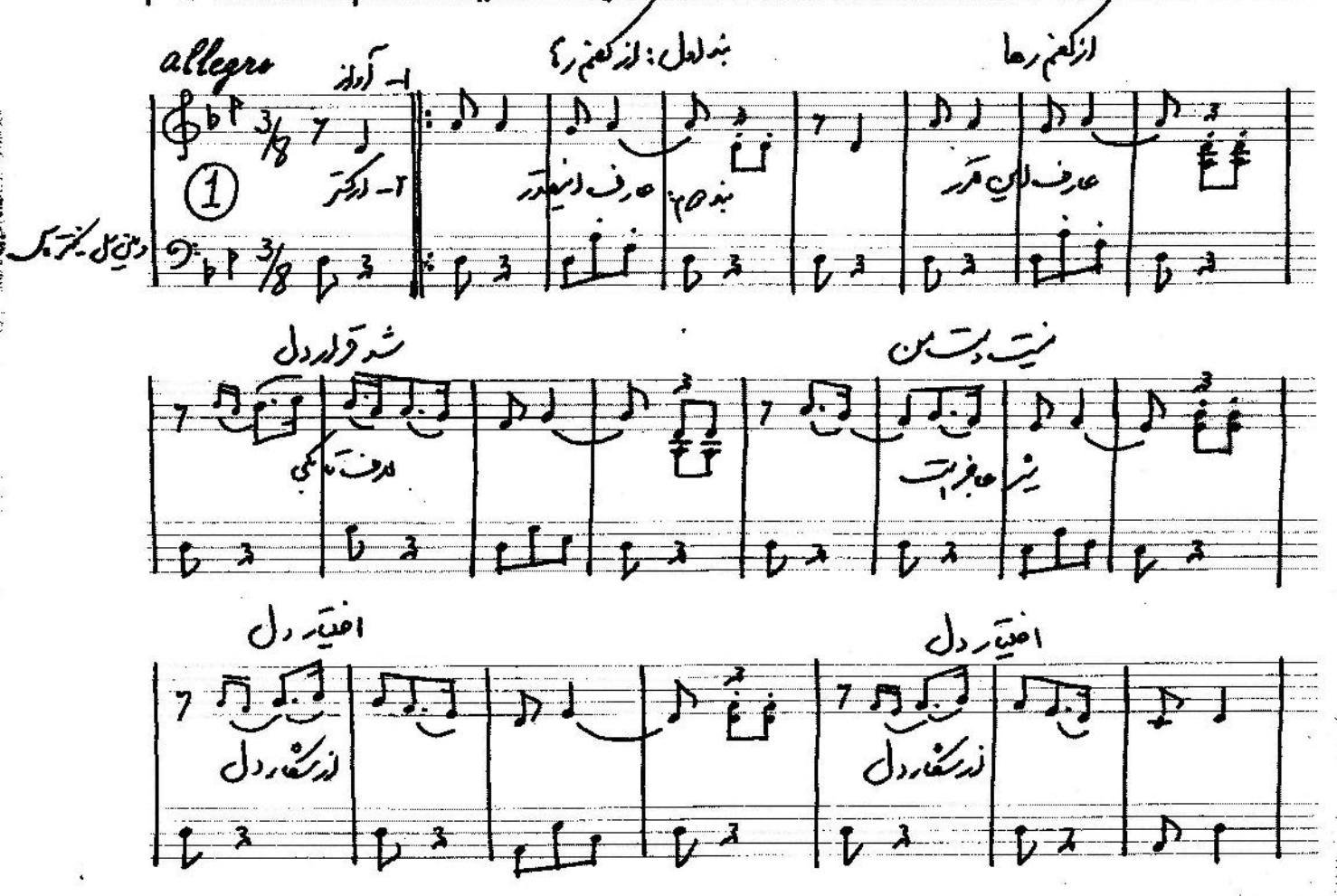
Shiraz-Beethoven.ir
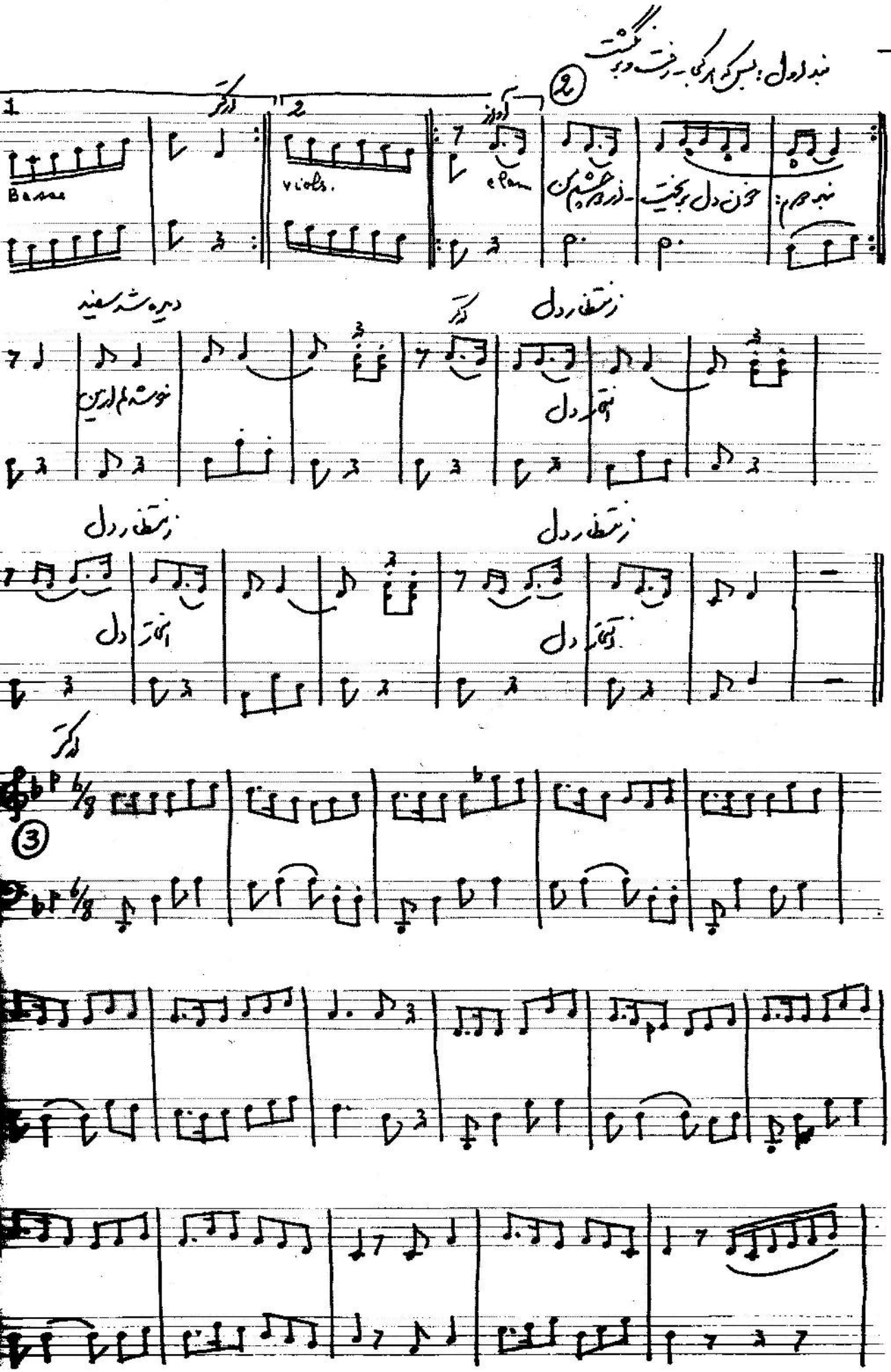
Shiraz-Beethoven.ir